



روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی
 صاحب امتیاز: مهرداد شهباز
 مدیرمسئول: مهرداد شهباز
 سردبیر: سید مهین موسوی مهر
 سید سجاد طلوع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی
 ابتدای کوهسنگی ۱۵
 دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۱-۵
 شماره: ۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
 روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرا نیوز را با
 اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد: ۲۰٪
 صبح: ۲۶
 عصر: ۲۹
 شب: ۲۵

اوقات شرعی مشهد:
 اذان ظهر: ۱۱:۳۴:۵۴
 غروب آفتاب: ۱۸:۵۳:۱۲
 اذان صبح فردا: ۰۲:۲۹:۱۴
 اذان مغرب: ۱۹:۱۴:۳۵
 طلوع آفتاب فردا: ۰۴:۱۶:۵۹

طرح روز

ایران حسین (ع) تا ابد پیروز است

طرح: خانه طراحان امام رضایی

چه‌ها

هر ایرانی؛ یک نشان زرین

من خیلی از دوستان و عزیزانم. شهر و ند پابخت هستند و خیلی هایشان در آن دوازده روز هم همچنان در تهران زندگی کردند. با اینکه همگی شان اسکان و شرایطش را داشتند که به شهرهای دیگر بروند، در خانه شان، شهرشان، شجاعانه ایستادند و هر روز صبح در دل هایشان نهال نوبی از شجاعت و امید جوانه زد. با اینکه شب تا سحر صدای انفجار شنیدند، با اینکه به چشمشان دیدند شهادت و مجروح شدن و آوار شدن خانه‌های عزیز می‌بود، اما به قول فردوسی بزرگ: «دریغ است ایران که ویران شود».

با برخی شان که صحبت کردم، از حال و هوای غریب و در عین حال غرورآمیز تهران گفتند: از اینکه محال بوده است شهر و خانه شان را، ناموسشان را، ترک کنند؛ از دخترچیزی که ویدیوی بغض و گریه و افتخار کردنش به ایرانی بودن، اشک همه را درآورد، تا کیوان ساکت، موسیقی دان مشهدی که خانه‌اش ویران شد اما امید و شجاعتش نه بعدگفت: «هرآنچه از دست داده‌ام، فدای ایران... چندصدتن از هم وطنان

حدیث

آیا نمی بیند که به حق رفتار نمی شود و کسی از باطل نپای نمی کند، پس بخواند مؤمن دیدار خدا را، درحالی که برحق باشد.

امام حسین (ع)
 می فرمایند:

بهارالانوار
 ج ۷۸، ص ۱۱۶

صحابه

آنس بن حارث کاهلی

او از اصحاب پیامبر (ص)، اهل کوفه و از شهیدای کربلاست. پدرش، حارث بن نبیه، جزو اصحاب صفه بود. او راوی حدیثی از پیامبر (ص) درباره شهید شدن امام حسین (ع) است.

کوچه

ایران حرم است

هیچ گونه تفاوتی در خواسته‌ها و در مقاصد می‌بیند که ابراز می‌کنند، ایستادند، باری، نه فقط ما که همه دنیا دید، ملت ایران بزرگواری خودش را، شخصیت پر جسته و ممتاز خودش را نشان داد در این قضیه و نشان داد که در هنگام لازم، یک صدا از این ملت شنیده خواهد شد، و بحمد... این اتفاق افتاد.

این تعریف معظم له را باید در شکوه تیبینی عالمانه از ملتی مجاهد خواند تا هیچ فردی نتواند به «تعریف» سخن بگوید: نه دشمنان که سرخورده از میدان می‌خواهند در وادی رسانه و دستکاری ادراک، جبران کنند و نه برخی خودی‌ها که ندانسته، کلامشان به تیغ‌هایی برنده تر از ترکش بمب‌ها و موشک‌های مانده؛ کسانی که انگار هیچ‌گاه نمی‌خواهند ضرورت‌های زمان خویش را

بفهمند و بر صراط عدالت و منهج رهبر فرزانه انقلاب، گام بردارند. به جرئت می‌توان گفت و به صدای بلند که امروز هر حرکت و صدا و کنایه و اشاره‌ای که یکبار چنگی ملت را آسیب زند، ادامه خط جنگ تحمیلی دشمنان است. فرقی نمی‌کند که با چه نیتی «اداء» شود، خیانتی شکل خواهد گرفت که هیچ‌گاه نخواهیم توانست، قضای عبادت ترک شده و حدت را به جا آوریم. همه باید با التزام عملی به راهنمایی‌های روشن رهبر معظم انقلاب و منهج شهیدان بزرگمان، نگاه و گام‌هایمان را به سوی فردا تنظیم کنیم. مردم در میدان را با احترام حفظ کنیم. جوری سخن نگوئیم و نتویسیم که دندان‌های به خون آلوده صهیونیسم و استکبار را به خنده نشان دهد. بنیان مروض یا بشیم، صفی واحد تا منفذهای پیشین هم بسته شود.

غلامرضا نبی اسدی
 روزنامه نکر

ما از تبار یاس سپیدیم

حتی اگر که تیغ بیارد، در بیعت امام حسینیم... ما جرئت ز هیر و حبیبیم، ما غیرت امام حسینیم در کودکی حواله گریه، از روضه رقیه گرفتیم... پیری رسید و سینه‌زنان باز، در هیئت امام حسینیم... قطر ده قطر درود زلاییم، با عشق در مسیر کمالیم... حبّ الحسین یجمعنا، چون: جمعیت امام حسینیم هیبت از حقارت و ذلت، هیبت از پذیرش منت... لاله حمد اگر که عزیزیم، از عزت امام حسینیم ما از تبار یاس سپیدیم، حزم و زنده زنده شهیدیم... از لشکر یزید پریدیم، در بیعت امام حسینیم ای شعرهای عصر تمدن! آل زبده‌های تفرغ!

محمد مرادی

همسایه همزبان

سلام بر تو و غمت که در جان دویده است

محرم نگذاشت که از حال و هوای شهیدان خارج شویم و بیعتی از غزلی را که همین چند روز پیش مسعود یوسف پور نوشته بود، با گوشت و پوست درک کردم که:

غم/ او که تنگی را بر زمی تا بد، ولی امسال محرم با شهیدان رنگ و بوی تازه‌ای دارد

بغضی را که می‌شد همان روزهای اول برای هر یک از شهیدان اشک شود، ذخیره کردیم که در کنار اشک برای سیدالشهدا (ع) تعالی تر شود. با اینکه تا دیروز از عالم آدم دل بریده بودم و کوله پستی جنگ می‌بستم، حالا دیگری صبرانه منتظر این غم عزیز بودم و در سرم یک نفر دو بیت از بیدل دهلوی را مدام زمزمه می‌کرد، دوش از نظر خیال تو دامن‌کشان گذشت اشک آن قدر دوید ز بی‌کزفان گذشت

طی ده دوازده روزی که ایران عزیز تحت حملات رژیم غاصب صهیونیستی بود، اوایل، شوخی و جدی از هم حلاکت می‌طلبیدیم، اما کم‌کم که تعداد شهدا بیشتر شد و بوی جنگ را نزدیک تر احساس کردیم، سعی می‌کردیم واقع بینانه تر نگاه کنیم؛ مثلاً من به این فکر کردم که اگر بنا باشد در فاصله زمانی کوتاهی منزل را ترک کنیم، حتماً روسری و چادر دم دست باشد یا یک کوله پستی کوچک آماده کنیم و دو دست لباس و پوشک بچه و مدارک شناسایی را در آن، جای بدهیم و بگذارم بالای سرم و حتی نوشتن وصیت نامه برام جدی تر از قبل شده بود. اما هم زمان با زمزمه آتش بس، بوی

عاطفه جعفری
 نویسنده و شاعر افغانستانی

عکس روز

ما ملت امام حسینیم

ما ملت امام حسینیم، ما نمی‌هراسیم. ما شانه خالی نمی‌کنیم. ما مقابل ظلم و زور می‌ایستیم. ما در آن دوازده روز خودمان را، یکبار چگی و همدلی مان را، شجاعتمان را، به هم و به همه ثابت کردیم. حالا یک دستمان پرچم ایران است و دست دیگرمان بیرق یاحسین (ع). ما زیر سایه این دو پرچم مقدس تا ابد مشق ایثار می‌کنیم.

عکس: سعید گلی/ شهرآرا

ShahraraNews
 Saehid Golli